Journal of Islamic Human Rights
Volum 1, Consecutive Number 1, 2024
Journal Homepage: https://islamichumanrights.ir/
This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Aspects and Effects of Globalization of Criminal law and Human Rights?

Zahra Taat*

PhD in Jurisprudence and Islamic Law, and Teaching Assistant, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Iran. zahrataat4545@gmail.com

Abstract

Globalization, as a transformative process, has profoundly influenced various aspects of human life, leaving significant impacts on the domains of criminal law and human rights. This study examines the effects of globalization on these fields. The globalization of criminal law has led to the establishment of international cooperation mechanisms, harmonization of national legal systems, and enhanced interactions among states to combat transnational crimes such as terrorism, human trafficking, and cybercrimes. However, this process has also brought challenges, including conflicts with national sovereignty and cultural differences. In the realm of human rights, globalization has strengthened universal principles and reduced the absolute authority of national sovereignty. The role of international institutions and human rights instruments in creating shared and binding standards highlights the importance of this field in global governance. Nonetheless, obstacles such as cultural relativism and resistance from certain states in adopting these principles remain. This study demonstrates that the globalization of criminal law and human rights, while offering opportunities for achieving global justice and security, requires a balance between global requirements and local values. The research emphasizes the importance of enhancing international cooperation, respecting cultural diversity, and reinforcing supervisory institutions. It provides practical approaches to fostering a more just and humane global society.

Keywords: Globalization, Criminal Law, Human Rights, National Sovereignty, Transnational Crimes, Universal Principles, International Cooperation

- Taat, Z. (2024). Aspects and Effects of Globalization of Criminal law and Human Rights?, *Journal of Islamic Human Rights*, 1(1), 1-18.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مجله حقوق بشر اسلامی
دورۀ اول ـ شمارۀ اول ـ ۱۴۰۳
صفحات ۱-۱۸ (مقاله پژوهشی)
تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۸/۱۳ـ پذیرش ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ ـ انتشار ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

جنبه‌ها و آثار جهانی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر

زهرا طاعات *

دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دستیار آموزشی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.
zahrataat4545@gmail.com

چکیده

جهانی شدن، به‌عنوان یک فرآیند تحول‌آفرین، جنبه‌های گوناگون زندگی بشر را دستخوش تغییر کرده و تأثیرات عمیقی بر حوزه‌های حقوق کیفری و حقوق بشر بر جای گذاشته است. در این پژوهش، به بررسی تأثیرات جهانی شدن بر حقوق کیفری و حقوق بشر پرداخته شده است. جهانی شدن حقوق کیفری، علاوه بر ایجاد سازوکارهای همکاری بین‌المللی، به هماهنگ‌سازی نظام‌های کیفری ملی و تقویت تعاملات میان دولت‌ها در مقابله با جرایم فراملی، مانند تروریسم، قاچاق انسان و جرایم سایبری منجر شده است. این فرآیند، در عین حال، چالش‌هایی مانند تعارض با حاکمیت ملی و تفاوت‌های فرهنگی را نیز به همراه داشته است. در حوزه حقوق بشر، جهانی شدن باعث تقویت اصول جهان‌شمول و کاهش اقتدار مطلق حاکمیت ملی گردیده است. نقش نهادهای بین‌المللی و اسناد حقوق بشری در ایجاد استانداردهای مشترک و الزام‌آور، نشانگر اهمیت این حوزه در نظم جهانی است. با این وجود، موانعی همچون نسبیت فرهنگی و مقاومت برخی دولت‌ها در پذیرش این اصول، همچنان وجود دارد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که جهانی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر، ضمن فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تحقق عدالت و امنیت جهانی، نیازمند تعادلی میان الزامات جهانی و ارزش‌های محلی است. این پژوهش بر اهمیت تقویت همکاری‌های بین‌المللی، احترام به تنوع فرهنگی و تقویت نهادهای نظارتی تأکید دارد و راهکارهایی برای دستیابی به جامعه‌ای عادلانه‌تر و انسانی‌تر ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: جهانی شدن، حقوق کیفری، حقوق بشر، حاکمیت ملی، جرایم فراملی، اصول جهان‌شمول، همکاری بین‌المللی

- طاعات، زهرا. (۱۴۰۳). جنبه‌ها و آثار جهانی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر، مجله حقوق بشر اسلامی، ۱(۱)، صفحات ۱-۱۸.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مقدمه

در دهه‌های اخیر، جهانی شدن به‌عنوان یکی از پدیده‌های برجسته و پیچیده، بسیاری از عرصه‌های زندگی انسان را دستخوش تغییر و تحول قرار داده است. این فرآیند، که در ابتدا عمدتاً در زمینه‌های اقتصادی و تکنولوژیکی مورد بحث قرار می‌گرفت، اکنون به حوزه‌های گسترده‌تری مانند فرهنگ، سیاست، و حقوق نیز نفوذ کرده است. در این میان، حقوق کیفری و حقوق بشر به‌عنوان دو رکن مهم در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی، تأثیرات عمده‌ای از این فرآیند پذیرفته‌اند. جهانی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر، نه‌تنها به‌عنوان پاسخی به تغییرات بین‌المللی در حوزه تعاملات سیاسی و اجتماعی، بلکه به‌عنوان ضرورتی برای مقابله با چالش‌های نوظهور در جهان معاصر، مورد توجه قرار گرفته است. حقوق کیفری که وظیفه اصلی آن تضمین نظم عمومی و مقابله با بزهکاری است، در جریان جهانی شدن با مفاهیمی چون هماهنگی قوانین، همکاری‌های بین‌المللی و تعریف استانداردهای جهانی برای مقابله با جرایم فراملی مواجه شده است. جرایمی همچون تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر، و جرایم سایبری، نمونه‌هایی از معضلاتی هستند که فراتر از مرزهای ملی عمل کرده و نیازمند واکنش‌های جهانی‌اند. از سوی دیگر، حقوق بشر که بر حفظ کرامت انسانی و تضمین آزادی‌ها و حقوق اساسی انسان‌ها تأکید دارد، به‌طور چشمگیری تحت تأثیر فرآیندهای جهانی شدن قرار گرفته است. تحول در مفاهیم سنتی حاکمیت ملی و تقویت رویکردهای بین‌المللی برای نظارت و اجرای حقوق بشر، نشان‌دهنده تغییرات عمیق در این حوزه است.

جهانی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر از طریق گسترش همکاری‌های بین‌المللی، تدوین اسناد و معاهدات الزام‌آور، و تقویت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، توانسته است تا حدی به اهدافی چون کاهش تضادهای حقوقی میان نظام‌های ملی و تقویت صلح و امنیت جهانی دست یابد. با این حال، چالش‌های بسیاری نیز در این مسیر وجود دارد. تعارض میان مفاهیم سنتی حاکمیت ملی و ضرورت‌های بین‌المللی، مشکلات اجرایی در همگام‌سازی قوانین ملی با استانداردهای جهانی، و همچنین دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی در مورد نسبیت فرهنگی و جهان‌شمولی حقوق بشر، ازجمله موانعی هستند که مسیر تحقق کامل جهانی شدن در این حوزه‌ها را دشوار کرده‌اند. این پژوهش بر آن است تا جنبه‌ها و آثار حقوق کیفری و حقوق بشر را در چارچوب جهانی شدن بررسی کند. در

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

این راستا، تلاش می‌شود تا ضمن تبیین مفاهیم و ابعاد جهانی‌شدن، روندهای بین‌المللی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر و تأثیرات آن‌ها بر نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی تحلیل گردد. این مطالعه، با هدف شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جهانی شدن در این دو حوزه، می‌کوشد تا رویکردی علمی و جامع برای درک بهتر از این فرآیند و نقش آن در ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و انسانی‌تر ارائه نماید.

مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن در حوزه مطالعات علم حقوق هم کهنه و هم نو می‌نماید. کهنه از آن جهت که مفهومی چون جهان‌شمولی و وحدت حقوق را تداعی می‌کند که از دیرباز چون ایده‌ای مطرح بوده و نو از این حیث که در بستر مدرنیته و در جامعه‌ای که از آن به جهانی تعبیر می‌شود؛ بازخوانی می‌گردد. جهانی شدن به‌عنوان مجموعه‌ای از تغییرات و معطوف به ایجاد جامه‌ای به وسعت جهان از دهه شصت میلادی مطرح و موجب گردیده است فراتر از جوامع ملی، جامعه‌ای به وسعت جهان و شامل کل ابناء بشر به وجود آید که از آن به جهانی تعبیر می‌شود. این تغییرات صرفاً یک ایده نبوده بلکه به واسطهٔ خردگرایی، نظام سرمایه‌داری، پیشرفت‌های تکنولوژیک و ارتباطات عینیت پیدا نموده و موجب بازتعریف زندگی انسان در عرصه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و محیط زیست شده و لذا حقوق کیفری نیز در فرآیند جهانی شدن مورد تحقیق قرار خواهد گرفت (جوانمردی صاحب، ۱۳۹۰: ۳۹).

به نظر می‌رسد با وجود تعاریف گوناگون از جهانی شدن، هنوز تعریفی روشن و جامع از آن به دست نیامده است؛ چرا که نخست این پدیده هنوز به حد تکامل نهایی خود نرسیده، دوم هر کسی در مقام تعریف، بعدی از ابعاد آن را بازگو کرده است. مارشال مک لوهان در سال ۱۹۷۰ کتابی با عنوان «جنگ و صلح در دهکده جهانی» نوشت و بدین ترتیب واژه جهانی شدن وارد ادبیات سیاسی و بین‌المللی شد. این واژه به یکی از اصطلاحات رایج و مد روز درآمده است. البته برخی از متفکرین و اندیشمندان معتقدند که جهانی شدن با فرآیند اقتصاد سرمایه‌داری آغاز شد (دیلمی و رفیع، ۱۳۸۷: ۱۰۸). از تز مک لوهان چنین بر می‌آید که جهانی شدن را نمی‌توان بدون پس‌زمینه تکنولوژیکی که تحول اجتماعی در آن رخ داده است؛ به تصویر در آورد. در نخستین سال‌های سده بیست و یکم با شکوفایی تکنولوژی‌های ارتباطی و به ویژه اینترنت و رشد تجارت الکترونیکی،

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

توانمندی تکنولوژی‌های جهانی نیز به بیشترین اندازه خود رسیده است. تکنولوژی‌های دیگر مانند مسافرت هوایی نیز بدین‌سان نقشی محوری در فرآیند جهانی شدن دارند (ادگار و سجویک، ۱۳۸۷: ۵۵).

نقطه عطف این فرآیند فروپاشی شوروی است. اکنون جهانی شدن به‌عنوان فرآیند حقیقتی تاریخی است که تعاملات افراد در کشورهای مختلف را می‌افزاید. آن‌ها یکدیگر را ملاقات می‌کنند، کالاها و ایده‌هایشان را مبادله می‌کنند و منابع را از یکدیگر به صورت استقراض یا خریداری تهیه می‌کنند. اکنون بسیاری از فعالیت‌هایی که در گذشته صرفاً توسط دولت‌ها انجام می‌شد، پراکنده شده است (مهرعلیزاده، ۱۳۸۷: ۹۰). پراتون[1] جهانی شدن در این عصر را فرآیندی از تحول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و بر تعامل فرهنگ‌ها افزوده است (صداقتی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۱۱). در پرتو جهانی شدن، اقتصاد بسیاری از کشورها متأثر از مبادلات سرمایه و نیروی کار فراسوی مرزهاست و جهانی شدن تأثیر قابل ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی و سیاسی و توسعه انسانی کشورها بر جای می‌گذارد. توسعه‌گرایی ملی به‌عنوان یک استراتژی ارزش خود را از دست داده و ضرورت توسعه جهانی و بسیج جامعه بین‌المللی برای زدودن فقر و محرومیت، ارتقاء شاخص‌های توسعه در هزاره سوم آشکار شده است (پروین، ۱۳۸۹: ۱۵).

جهانی شدن پدیده‌ای است که تقریباً همهٔ جنبه‌های زندگی مردم را تحت تأثیر خویش قرار داده است. واژهٔ Globalization که در لغت به معنای جهانی شدن است؛ ازجمله مفاهیمی است که در تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد . مارتین آلبرو[2] جهانی شدن را به فرآیندی که براساس آن همهٔ مردم جهان در جامعه‌ای واحد و فراگیر به هم می‌پیوندند؛ تعریف می‌کند (آلبرو، ۱۹۹۹: ۸۱). آنتونی مگ گرو[3] در تعریف جهانی شدن می‌گوید: «در جهانی شدن، الگوی فعالیت‌های مختلف بشری به سوی قاره‌ای و منطقه‌ای شدن در حرکت است» (مگ گرو، ۱۹۹۷: ۷). گیدنز[4] جهانی شدن را پدیده‌ای می‌داند که خود به خود گسترش روابط اجتماعی را به دنبال خواهد داشت و افرادی را که کیلومترها از هم فاصله دارند؛ به هم نزدیک می‌کند. همان‌گونه که می‌بینیم تعاریف ارائه شده و تعاریف

1. Peratton
2. martin albero
3. anthiny mcgrew
4. giddens

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

دیگر با هم تفاوت‌های جدی و اساسی دارند. این ابهام، اختلاف و تناقض موجود همان‌گونه که می‌بینیم در مفهوم جهانی شدن از عوامل گوناگونی ریشه می‌گیرد که چند مورد از این عوامل شامل: چندوجهی بودن پدیده یا فرآیند جهانی شدن است. امروزه همهٔ جوانب زندگی در دنیای معاصر، کم و بیش از فرآیند جهانی شدن تأثیر می‌پذیرند و فرآیند مورد نظر هم اقتصادی است، هم سیاسی و هم فرهنگی. بی‌گمان تأکید بر هریک از جنبه‌های این فرآیند به تعریف‌ها و مفهوم‌بندی‌های خاص از این مفهوم می‌انجامد (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۶).

جهانی شدن حقوق کیفری

جهانی شدن حقوق کیفری نیز بازتاب فرآیند تاریخ حقوق و نتیجهٔ منطقی آموزه‌های فلسفی سیاسی و دکترین حقوق بین‌الملل کیفری است. با وجود رژیم‌های کیفری منطقه‌ای و جنبش‌های فراملی، اندیشهٔ فلسفی مدرنیتهٔ کیفری و تئوری دولت خرد و خردورزی جمعی به این نهضت عظیم، سرعت خاصی بخشیده است. به نحوی امروزه جهانی شدن حقوق کیفری برای تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و رعایت حداقل اصول و موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضرورت اجتناب‌ناپذیری محسوب می‌شود. تعارض نظام‌های کیفری ملی و تجلی وجوه این تعارض در صلاحیت قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی از یک‌سو و عدم اعتبار احکام کیفری بیگانه در اکثر کشورها از سوی دیگر، سبب شده تا نظام جهانی به سوی جهانی شدن حقوق کیفری گرایش نشان دهد (توحیدی‌فر، ۱۳۸۰: ۳۹).

حقوق جزا درواقع ضامن نظم عمومی است. نظم عمومی، یکی از اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی است؛ نیازی که تأمین آن در هر جامعه، ازجمله جامعه بین‌المللی، ضروری است. گرچه نیازهای اجتماعی را هر دولت براساس نظر خود تعبیر می‌کند و پاسخ می‌دهد؛ ولی بسیاری از قواعد مربوط به نظم عمومی که هر دولتی با تدوین قوانین کیفری ملی، آن را مورد حمایت قرار می‌دهد؛ به یقین با قواعد نظم عمومی بین‌المللی در تعارض است. حقوق بین‌الملل کیفری که وظیفه‌اش حفظ و صیانت از جامعه بین‌المللی است؛ مهم‌ترین هدفش ایجاد هماهنگی میان نظم عمومی داخلی و نظم عمومی بین‌المللی است. برای نیل به این منظور، مسائل گوناگون و در عین حال پیچیده‌ای وجود دارد که در حقوق بین‌المللی جزایی مطرح می‌شود. آنچه امروزه، مورد قبول همگان است؛ وجود جرایمی در سطح

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

بین‌المللی است. مبارزه با این جرایم، مستلزم تحول در سیاست کیفری است؛ لذا مبارزه با بزهکاری باید جنبه جهانی به خود بگیرد و آسیب‌های اجتماعی و گسترش بزهکاری در عرصه جهانی مهار شود و مقابله با بزهکاران، بین‌المللی گردد؛ زیرا جرایم بین‌المللی، تجاوز به اصول ارزش‌های انسانی است. ارزش‌هایی که بقا و موجودیت صلح و آرامش بشریت را در جامعه بین‌المللی ممکن و میسر می‌سازد. بنابراین، جهانی شدن صرفاً مبتنی بر اندیشه‌هایی که از حوزه‌های فلسفی با آموزه‌های حقوق بین‌الملل کیفری مستفید شده باشد آغاز و ادامه حیات نداده است. جهانی شدن حقوق کیفری می‌تواند نتیجه اندیشه‌ای آرمانی باشد که ضروریات و واقعیات‌های مسلم و غیر قابل انکار جامعه جهانی، آن را به فرآیندی رو به گسترش در عرصه‌های گوناگون حیات انسان تبدیل کرده است (توحیدی، ۱۳۸۲: ۹۶).

۱. روندهای بین‌المللی شدن حقوق کیفری

فرآیندهای بین‌المللی یا جهانی شدن حقوق کیفری را می‌توان در چند رویه ازجمله همکاری، ادغام، هماهنگ‌سازی و بازشناسی متقابل و خلاصه کرد. همکاری، تقسیم دنیا میان دولت‌های حاکم و همزیستی سیستم‌های حقوقی ملی را تأیید می‌کند؛ از آنجایی که ایجاد رابطه بر پایهٔ بی‌اعتمادی میان دولت‌ها، که به‌طور طبیعی از حاکمیت هر دولت ناشی می‌شود بنا شده است؛ درنتیجه کنوانسیون‌های بین‌المللی برای از پیش تعیین کردن موارد و شرایطی که در آن‌ها می‌توان اعتماد نمود و همکاری را پیش‌بینی کرد؛ مورد مذاکره قرار می‌گیرند. ادغام به عکس به دنبال فراتر رفتن از مرزها و کاهش ناهمگرایی میان سیستم‌های ملی است. ادغام قابل درجه‌بندی است؛ نخستین شکل آن نزدیک‌سازی سادهٔ سیستم‌هاست که به آن هماهنگ‌سازی هم گفته می‌شود. شکل دوم آن یگانه‌سازی است. یگانه‌سازی کامل بسیار دشوار است که البته این کار چندان هم مطلوب نیست؛ زیرا با حاکمیت ملی دارای تناقض بسیاری است. هماهنگ‌سازی و بازشناسی متقابل همزیستی این دو روند در بسته نظام‌های حقوقی هم‌فکری هماهنگی را می‌طلبد؛ با این همه در ابتدا این احتمال وجود دارد که بتوان در آن‌ها تقارن واقعی را یافت (کردعلیوند، ۱۳۸۷: ۳۶).

در راستای جهانی‌سازی حقوق کیفری فعالیت سازمان‌های بین‌المللی نیز حائز اهمیت بسیار است. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد در وین و یا سازمان‌های منطقه‌ای مانند شورای اروپا در استراسبورگ، نسبت به تدوین و تدارک متون کیفری که

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

هدف آن قطعاً اجرای موازین یادشده در تعداد بیشتری از دولت‌هاست فعالیت می‌کنند. همچنین نمی‌توان نقش سازمان‌های غیردولتی مانند انجمن بین‌المللی حقوق کیفری که با سازمان ملل پیوسته است و به مناسبت کنگره‌های خود قطعنامه‌هایی صادر می‌کند و در واقع قانون‌گذاران را مخاطب قرار می‌دهد را نادیده انگاشت. بی‌گمان افزایش مطالعات حقوق تطبیقی در این همگرایی مؤثر است؛ زیرا بررسی حقوق کشور همجوار می‌تواند میل به پیروی از آن را الهام بخشد. تمام این عوامل امروزه به‌طور غیرقابل انکاری منتهی به کاهش انزوا در بین حقوق کشورها شده است که سرآغازی بر جهانی شدن حقوق کیفری به شمار می‌آید (پرادل، ۱۳۸۵: ۱۶۱).

جهانی‌سازی حقوق کیفری در هر دو نوع قوانین ماهوی و شکلی صورت می‌پذیرد. از دیدگاه ماهوی، شباهت‌ها مربوط به تمامی بخش‌های حقوق کیفری به معنای وسیع آن است. در این مورد نیازی به تأکید بر روی نظریهٔ جرم که همواره در قوانین کشورهای مختلف متفاوت است؛ نمی‌باشد دومین نکته مربوط به نوآوری‌هاست. برخی از کشورها گرایش به اکتساب این نوآوری‌ها از کشورهای دیگر دارند. دربارهٔ قوانین شکلی نیز جهانی‌سازی حقوق کیفری موجب تشابه قوانین کشورهای مختلف شده است. اصول جهان‌شمولی مانند آزادی، انصاف و مؤثر بودن قوانین چه در کشورهای دارای سیستم اتهامی و چه در کشورهای دارای سیستم تنقیشی قابل رویت است.

۲. نمونه: جهانی‌سازی حقوق کیفری کودکان

جهانی‌سازی حقوق کیفری کودکان به دنبال جهانی‌سازی حقوق کیفری و حقوق بشر، حقوق کیفری کودکان مورد توجه مجامع بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد قرار گرفته است. در این چارچوب اسناد الزام‌آور و ارشادی چندی به صورت قطعنامه، کنوانسیون، اعلامیه و ... به تصویب رسیده است. هدف همهٔ اینها تأثیرگذاری بر مقررات مربوط به عدالت کیفری کودکان در همهٔ کشورهاست؛ به‌طوری‌که حقوق کودکان بزهکار و بزه‌دیده در همهٔ مراحل دادرسی به خوبی رعایت شود و واکنش‌های متناسب با ویژگی‌های صغار پیش‌بینی و اعمال شود (مهرا، ۱۳۸۵: ۱۵).

با وجود اینکه حقوق بین‌المللی در زمینهٔ حقوق کودک به گونهٔ غیر قابل تصوری در دههٔ گذشته متحول شده است؛ اما هنوز برخی از دولت‌ها معتقدند که برخی کودکان به لحاظ مشکلات بسیار شدید خانوادگی و تحصیلی باید از حمایت بیشتری برخوردار

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

گردند؛ به همین علت تلاش می‌کنند تا با هماهنگ‌سازی قوانین خود با کنوانسیون‌ها رویه‌های بین‌المللی در راستای حمایت از کودکان قدم بردارند. یکی از راهکارهای هماهنگ‌سازی قوانین با حقوق کیفری جهانی‌شدهٔ کودکان تأثیربرداری از کنوانسیون‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، توصیه‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌هایی است که در صدد حمایت از کودکان هستند. از سوی دیگر کارآمدی کنوانسیون‌های بین‌المللی را می‌توان از طریق اعمال مفید آن در دستگاه‌های قضایی داخلی و سایر مراجع قضایی بین‌المللی مثلاً در سطح اروپا از طریق دیوان اروپایی حقوق بشر، به بالاترین میزان رساند (جوانمردی‌صاحب، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

رویهٔ قضایی اخیر حاکی از آن است که به‌طور قطع در زمینهٔ عدالت کیفری کودکان، رشد فزایندهٔ الهام‌گیری از کنوانسیون‌های بین‌المللی و اعمال آن‌ها در قانونگذاری و محاکم داخلی، زمینهٔ امکانات بسیار جالبی را فراهم نموده و نوید سرعت و دقت عمل بیشتری را به ما می‌دهد.

جهانی شدن حقوق بشر

۱. تفاوت جهان‌شمولی و جهانی شدن حقوق بشر

جهانی شدن محیط، باورهای جهان‌شمول را تغییر می‌دهد. طی سه دههٔ گذشته، تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن، رویکرد وسیع و گسترده‌ای نسبت به حقوق بشر پدید آمده است. پنج دلیل اصلی مرتبط با جهانی شدن برای رویکرد به حقوق بشر و جامعهٔ مدنی، می‌توان ارائه داد: ۱) تحولات بلوک شرق و اروپای مرکزی ۲) رشد فزایندهٔ سازمان‌های مردم‌نهاد که در بسیاری از موارد مانند محیط زیست، وضعیت زنان، حقوق بشر و حتی خلع سلاح، مؤثر و کارساز بوده‌اند ۳) مفهوم جامعهٔ مدنی که سبب پدیداری یک انتقاد از افراط در بازار و دولت شد ۴) پاسخی که مفهوم جامعهٔ مدنی به اضطراب برآمده از جهان صنعتی پیشرفته می‌دهد ۵) تحولات خاورمیانه و باخترزمین با بهار عربی و جنبش وال استریت که منجر به همبستگی بین‌المللی در رویارویی با افراط‌گرایی و سرمایه‌داری منجر به نبود رفاه اجتماعی شده است (برمان، ۲۰۰۵: ۴۸۹).

ارتباط میان جهانی شدن و حقوق بشر، جهان‌شمولی را به متن منتقل می‌کند؛ زیرا فرآیند جهانی شدن، نظام بین‌المللی حاکم بر کشورها را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد و در نهایت، آثار متفاوتی بر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد و همین‌طور حق توسعهٔ جوامع، بر جای

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

می‌گذارد، به گونه‌ای که اگر قریب چهار قرن نظام جهانی براساس مفهوم و برداشت غلط از حاکمیت قرار می‌گرفت؛ امروزه به دلیل جهانی شدن ابزارهای اطلاع‌رسانی و امکان به وجود آمدن فهم مشترک میان ملت‌ها، به‌طور فزاینده‌ای حاکمیت، تحت تأثیر این قضاوت قرار می‌گیرد که یک حکومت با شهروندانش چگونه رفتار می‌کند. این مسئله همان‌طور که بیل کلینتون رییس‌جمهور اسبق آمریکا اظهار می‌دارد؛ از آنجا ناشی می‌شود که روند جهانی شدن، موجب ایجاد تغییر و تحولی شگرف در شیوه‌های کاری زندگی و مهم‌تر از همه، چگونگی برقراری ارتباط، فراسوی مرزهای ملی ما شده است. این روند، باعث از میان رفتن دروازه‌ها و به وجود آمدن شبکه‌های ارتباطی میان کشورها و افراد، نیز اقتصادهای جهانی و فرهنگ‌های جوامع می‌گردد. در فرآیند جهانی شدن، پذیرش اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و جهان‌شمولی این اعلامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، از سوی واحدهای سیاسی به‌عنوان منشأ و سر چشمهٔ حقوق بشر در نظام بین‌الملل و روابط میان کشورها، برجسته‌تر می‌شود؛ زیرا با وجود ابزارهای فوق مدرن اطلاع‌رسانی مانند نمابر، ماهواره، شبکه جهانی اینترنت، پست الکترونیکی، موبایل و مولتی مدیا، کتمان دلایل حقیقی و واقعی امتناع برخی از کشورها در تصویب معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، محال می‌گردد (ذاکریان، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲).

تماس‌های بین فرهنگی می‌تواند جهان‌شمولی‌ها را نیز تقویت سازد. جهانی شدن، افراد را به درون شبکه‌های جهانی می‌کشاند، به گونه‌ای که آن‌ها در مرزهای ملی و فرهنگی به‌طور منظم‌تر با دیگران تعامل برقرار می‌کنند. آن‌ها عقاید، فرضیه‌ها و عملکردهای لازم جهت همکاری با یکدیگر را با هم تقسیم می‌نمایند (انگلهارت، ۱۳۸۷: ۲). امروزه این بحث مطرح گردیده که تعدد فرهنگ‌ها و نسبیت فرهنگی که از سوی برخی از دولتمردان کشورها غالباً با هدف فرار از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال رعایت الزامات جهان‌شمول حقوق بشر و پرهیز از اعمال و اقدامات ضد حقوق بشری مطرح می‌شود.

۲. مقدمات جهانی شدن حقوق بشر

امروزه حقوق بین‌الملل در رابطه با حمایت از حقوق بشر به اندازه‌ای گسترش یافته که الزاماً موجب تعهد و همبستگی بین‌المللی در قبال اجرای آن شده و اصول عدم دخالت و حق حاکمیت دولت‌ها در برابر آن گام پس نهاده‌اند. در حال حاضر افراد از لحاظ بین‌المللی، به‌عنوان افراد و نه به‌عنوان اتباع یک دولت، حقوقشان مورد حمایت و تضمین قرار می‌گیرد

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

(شریفیان، ۱۳۸۰: ۷). شواهد بسیاری وجود دارد که بیانگر افول کارایی دولت‌ها، کاهش اقتدار آن‌ها و گسترش دامنه صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی است، صلاحیتی که فراتر از ادعای دولت‌ها مبنی بر داشتن صلاحیت کامل در زمینه امور داخلی‌شان است (لیونز، ۱۴۰۰: ۱۰). بدین‌ترتیب می‌توان گفت که فرسایش حاکمیت‌های ملی و تعدیل اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها، مقدمه جهانی شدن حقوق بشر محسوب می‌شود.

۱-۲. تحدید حاکمیت ملی

امروزه با فزونی یافتن پیمان‌های حقوق بشری، شاهد تحول مهمی در عرصه نظام بین‌الملل هستیم. تحدید حاکمیت‌های ملی و ظهور مفهوم جدیدی از حاکمیت به عینه محسوس است. دولت‌ها به دلیل رشد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های منطقه‌ای و به‌خصوص سازمان ملل متحد و نهادهای زیرمجموعه آن و پیوستن به این نهادها و سازمان‌ها، به‌طور عملی قدم در راه گذار از حاکمیت رسوخ‌ناپذیر به حاکمیت رسوخ‌پذیر گذاشته‌اند. به‌طوری‌که برخی رشد سازمان‌های بین‌المللی و توسعه حقوق بین‌الملل را دلیلی بر عدم موضوعیت حاکمیت دولت در دوران معاصر دانسته‌اند (ویلیامز، ۱۳۹۹: ۱۳۶). از سوی دیگر فعالیت روزافزون نهادها و سازمان‌های ملی خارج از حاکمیت نقش چشمگیری در تحدید حاکمیت ملی داشته است.

درنتیجه این تغییر و تحولات، حاکمیت ملی روز به روز رسوخ‌پذیرتر گشته است، به نحوی که امروزه دائرةالمعارف حقوق بین‌الملل حاکمیت را چنین تعریف می‌کند: «حاکمیت در حقوق بین‌الملل معاصر، بیانگر شرایط حقوقی یک دولت در صحنه بین‌المللی است که صلاحیت آن دولت در قلمروش نمی‌تواند از سوی دیگر دولت‌ها مورد سؤال و مداخله واقع شود. این حاکمیت با موازین حقوق بین‌الملل محدود می‌گردد». از زمان شروع به فعالیت سازمان ملل (حدوداً ۷ دهه) و عملکرد این سازمان در زمینه‌های مختلف به ویژه درخصوص حقوق بشر، حاکمیت کشورها به نحو چشمگیری محدود گردیده است. فعالیت گسترده نهادهایی چون مجمع عمومی سازمان ملل، شورای امنیت، شورای حقوق بشر، دیوان بین‌المللی دادگستری، کمیسیون فرعی تشویق حقوق بشر و حمایت از آن، کمیساریای عالی حقوق بشر، سازمان‌های تخصصی سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی همچون عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و کمیسون

زهرا طاعات - دورهٔ اول - شمارهٔ اول - ۱۴۰۳

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

بین‌المللی حقوقدانان، دیوان کیفری بین‌المللی[1] و در بعد منطقه‌ای فعالیت نهادهایی چون دادگاه حقوق بشر اروپایی، کمیسیون حقوق بشر اروپا، دادگاه حقوق بشر آمریکایی و دادگاه حقوق بشر آفریقایی، ضمن ارائه چهره جهان‌شمول به حقوق بشر، موجبات تحدید حاکمیت‌های ملی و درنتیجه ضرورت تعریفی جدید از حاکمیت را براساس و مبنای حقوق بشر فراهم ساخته است.

ضمن اینکه درخصوص نقش اسناد حقوق بشر در تحدید حاکمیت ملی نباید به سادگی چشم پوشید[2]. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به همانند نهادها و ارگان‌های تخصصی حقوق بشر، با الزامات و تعهداتی که نسبت به رعایت حقوق بشر، به کشورهای عضو تحمیل می‌کنند؛ نقش چشمگیری در توسعه و جهان‌شمول کردن حقوق بشر و به همان نسبت تحدید حاکمیت ملی داشته‌اند.

۲-۲. تعدیل اصل عدم مداخله

اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها یک اصل بنیادین حقوق بین‌الملل است که مبتنی بر حاکمیت، برابری و استقلال سیاسی دولت‌هاست. این اصل تکلیفی حقوقی بر دولت‌ها برای خودداری از دخالت در امور داخلی یکدیگر تحمیل می‌کند. اما در هیچ سند حقوقی‌ای تعریف دقیق از مداخله نشده و حدود آن نیز نامشخص است (شریفیان، ۱۴۰۰: ۸۰۴). منظور از مداخله نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی کشوری در امور داخلی کشور دیگر برای تحمیل اراده خود بر آن کشور است (احتشامی، ۱۳۹۸: ۲۹). اصل منع مداخله در امور داخلی دولت‌ها در بند ۷ ماده منشور ملل متحد چنین پیش‌بینی شده است که «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد که در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید».

با این وجود امروزه نقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل موضوع داخلی محسوب نمی‌شود و به قول دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد (خاویر پرز دکوئیار) اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها نمی‌تواند مانعی باشد که در پشت آن دولت‌ها مبادرت به نقض

---

۱. دیوان به‌عنوان یک نهاد دایمی، صلاحیت رسیدگی نسبت به مهم‌ترین جرایم بین‌المللی و ناقض حقوق بشر را داراست.

۲. امروزه انعقاد عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای، گذشته از توسعه حقوق بین‌الملل، موجب محدود شدن حاکمیت‌های ملی و تحول حقوق داخلی کشورهای مختلف شده است.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

گسترده و سیستماتیک حقوق بشر نمایند (شریفیان، ۱۴۰۰: ۸۰۷). در حال حاضر رعایت موازین حقوق بشر و پایبندی به اصول و قواعد مردم‌سالاری از آسیب‌پذیری حاکمیت‌ها در مقابل تصمیمات خارجی جلوگیری می‌کند و استقلال کشور را در جهانی که وابستگی متقابل یکی از ویژگی‌های آن است تضمین می‌نماید. در جهان معاصر دولت‌های برخوردار از حاکمیت ملی، ضمن داشتن مشروعیت قانونی باید از مشروعیت اخلاقی نیز بهره‌مند باشند. در غیر این صورت، با فشار افکار عمومی بین‌المللی متأثر از اظهار نظرهای نهادهای رسمی حقوق بشری سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های دیگر مواجه خواهد شد. این فشار چنانچه دیگر شرایط نیز فراهم باشد می‌تواند تا حد توسل به زور برای وادار ساختن یک دولت نقض‌کننده حقوق بشر به رعایت مقررات مربوط، پیش رود. حقوق بشر امروزه در نظام بین‌المللی دارای چنان منزلتی است و چنان گسترده، شایع و عام گشته است که هیچ دولتی با استناد به حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل نمی‌تواند آن را تنها در صلاحیت داخلی خویش تلقی نماید. با رشد سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی و فشار و حساسیت جامعه جهانی، به جرات می‌توان گفت که سکان حقوق بشر دیگر به صورت جدی از دست حاکمیت ملی خارج گردیده است (مولایی، ۱۳۹۹: ۱۳۰).

در مجموع باید گفت که به دلیل توسعه نظری و نهادی حقوق بشر و برخورداری این حقوق از مکانیسم‌های اجرایی در قالب نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر[1]، تأثیرات حقوق بشر درخصوص به انعطاف کشاندن حکومت‌های استبدادی و توتالیتر و ظهور بازیگران غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر و نقش حقوق بشر در تحدید حاکمیت‌های ملی بیش از پیش می‌تواند نقش فعالی در فرآیند هماهنگ‌سازی حقوق در عرصه جهانی داشته باشد (مارک، ۲۰۲۳: ۳).

۳. بین‌المللی شدن حقوق بشر و محدودیت در اعمال حاکمیت کشورها

در حالی که، اصل حاکمیت ملی از حکومت و دولت، نیروی بالاتر از مرزهای خاکی‌اش قرار می‌دهد و وجود هر قدرتی خارج از این مرزها را قبول نمی‌کند. در مقابل، حقوق بشر

۱. براساس تحولات تاریخی و علمی در حوزه حقوق بشر، تاکنون سه نسل از حقوق به رسمیت شناخته شده است. نخستین نسل حقوق بشر درواقع حقوق مدنی و سیاسی است. نسل دوم حقوق بشر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و نسل سومی از حقوق بشر که به نام حقوق جمعی معروف است (زرگرباشی، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

قیودی را بر چگونگی برخورد و رفتار دولت با شهروندان و هم‌وطنانش ایجاد کرده و حاکمیت را به اسم معیارهای بین‌المللی برای ادارهٔ دولت قانونی خود در معرض خطر قرار می‌دهد. کریستین روز اسمیت بنابر دیدگاه ساختاری‌اش حاکمیت و حقوق بشر را، همچون دو نظام جدا از هم به شمار می‌آورد که مبتنی بر رابطه‌ای خالی (تهی) با هم می‌باشند؛ یا حاکمیت قوی‌تر است و مبانی حقوق بشر ضعیف‌تر و یا برعکس آن صادق است (رئوس‌میت[1]، ۲۰۲۱: ۵۲۰).

بروز پایداری سیستم حاکمیتی و پیشرفت و تحول نظام بین‌المللی حقوق بشر، پیوسته و دائماً از طریق تناقض دوجانبه میان حقوق بشر و حاکمیت، مرتبط به هم هستند. گروهی که به بدبین‌ها معروف هستند؛ حاکمیت را سدی محکم به شمار می‌آورند که علیه وضعیت کنونی نظام حقوق بشر، ایستاده است. گروهی دیگر که به خوشبین‌ها معروف هستند، تصور می‌کنند نظام حاکمیت، از سوی نظام حقوق بشر در معرض خطر است. در این راستا استانلی هوفمان به جریان اول ملحق می‌شود به‌طوری‌که او علی‌رغم پیشرفت و تحولی که بعد از سال ۱۹۴۵ در زمینهٔ مبانی حقوقی بشر، حاصل شد، موضع‌گیری کرد. و دربارهٔ دو عنصر حاکمیت، سؤال می‌کند: عنصر اول، حق دخالت و ورود به جنگ، و عنصر دوم حق دولت در اینکه هرطور بخواهد با هم‌وطنانش برخورد و رفتار کند. بنابراین، این قبیل مبانی و اصول تأثیری ضعیف در وقایع، بحران‌ها و سیاست‌های بین‌المللی دارند (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

کاترین اسکینگ که موضعی مخالف دارد، معتقد است حقوق بشر که از طرف مجامع بین‌المللی حمایت می‌شود یکی از قوی‌ترین انتقادات را به حاکمیت وارد می‌سازد. همان‌طورکه این امر هم‌اکنون وجود دارد، به نظر ایشان عملی کردن و اجرایی کردن قوانین مربوط به حقوق بشر و سیاست‌های خارجی در ارتباط با حقوق بشر نمونه‌هایی ملموس و قابل بررسی بر تغییر مفاهیم مربوط به اهمیت حاکمیت هستند.

در دهه‌های اخیر، حرکت‌هایی در شماری از کشورهای جهان مخصوصاً در آسیا و آفریقا به خاطر تعدیل و اصلاح قوانین اساسی و قوانین داخلیشان طبق مضامین توافق‌های بین‌المللی حقوق بشر، به وجود آمده است. مثلاً در آفریقا و در کشور مغرب، بند سوم، مقدمهٔ قانون اساسی فعلی آن کشور تغییر یافته و در آن ذکر شده است که همهٔ متون قانونی

1. C.Reus-Smit.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مورد بررسی و تجدید نظر قرار می‌گیرد و با اصول و قواعد حقوق بشر مطابقت می‌یابد. روند مزبور در بسیاری از کشورهای عربی آغاز گشته که حتی منجر به برکناری برخی از حکومت‌ها و چالش‌های نظام دیکتاتوری و پادشاهی سنتی با خواسته‌ها و مطالبات مردم شده است.

بنابراین استناد به پدیدهٔ حاکمیت برای دفاع در برابر اتهامات مربوط به تخلفات شدید از مقررات حقوق بشر با توجه به بین‌المللی شدن آن مورد پذیرش جامعهٔ بین‌المللی نیست. نبرد درازمدت برای پایان دادن به تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی که کمابیش مورد پشتیبانی همهٔ دولت‌ها قرار گرفت، مظهر دفاع از کرامت و حیثیت ذاتی نوع بشریت است. بر همین منوال، در ۱۹۹۳ اقدامات چین و برخی دیگر از کشورها برای استناد به «حاکمیت» به منظور پیشگیری از نظارت بین‌المللی بر وضع حقوق بشر، در کنفرانس حقوق بشر «وین» به جایی نرسید وهمدلی خاصی برنینگیخت. در چندین مورد شورای امنیت دریافت که نقض شدید حقوق بشر از سوی دولت‌های خاص، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته و حتی اجازهٔ مداخلهٔ نظامی را صادر کرد. این حوادث سیاسی، حاکمیت را همچون مانعی در برابر نظارت بین‌المللی بر تخلفات ژرف از حقوق بشر دست‌کم در زمانی که قدرت‌های بزرگ بر چنین نظارتی پافشاری می‌کنند؛ قرار داده است (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

بدین‌ترتیب اعضای جامعه بین‌المللی در قبال حقوق اساسی بشر مسئولیت و تکلیفی دارند و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیرحکومتی نیز باید در قلمرو حقوق بشر به گونه‌ای حرکت کنند که ضامن اجرای موازین بین‌المللی در زمینهٔ حقوق بشر باشند. اگر روزی از حاکمیت مطلق دولت‌ها سخن گفته می‌شد، امروزه حاکمیت بر مبنای احترام و ارتقاء سطح حقوق بشر مطرح است و آمره بودن قاعده حقوق بشر در حاکمیت شکافی ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن به‌عنوان فرآیندی تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، جنبه‌های مختلف زندگی بشر را دگرگون کرده و مفاهیمی نظیر حقوق کیفری و حقوق بشر را تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش نشان می‌دهد که جهانی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر، برخلاف تصور رایج که آن را صرفاً به معنای هماهنگ‌سازی قوانین تلقی می‌کند، به دنبال

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

بازتعریف اصول بنیادین این دو حوزه در چارچوبی فراملی و جهان‌شمول است. حقوق کیفری و حقوق بشر در این مسیر، هم به‌عنوان ابزارهایی برای مقابله با چالش‌های جهانی و هم به‌عنوان مفاهیمی که خود تحت تأثیر جهانی شدن دچار تحول شده‌اند، ایفای نقش می‌کنند. در زمینه حقوق کیفری، جهانی شدن منجر به ایجاد سازوکارهای همکاری بین‌المللی، تقویت هماهنگی قوانین و تدوین معاهدات و کنوانسیون‌هایی شده است که جرایم فراملی را هدف قرار می‌دهند. ظهور جرایمی نظیر تروریسم بین‌المللی، قاچاق انسان و مواد مخدر، و جرایم سایبری، ضرورت بازتعریف نظام‌های کیفری ملی در تعامل با قواعد و اصول بین‌المللی را آشکار کرده است. این روند اگرچه به هماهنگ‌سازی سیاست‌های کیفری میان کشورها انجامیده، اما چالش‌هایی نظیر تعارض با حاکمیت ملی و تفاوت‌های فرهنگی و حقوقی میان جوامع مختلف را نیز به همراه داشته است. در حوزه حقوق بشر، جهانی شدن به تقویت اصول جهان‌شمول و کاهش حاکمیت مطلق دولت‌ها انجامیده است. این پژوهش نشان می‌دهد که حقوق بشر در فرآیند جهانی شدن به جایگاه برجسته‌ای دست یافته است، به گونه‌ای که امروزه نمی‌توان نقض گسترده حقوق بشر را به‌عنوان مسئله‌ای صرفاً داخلی تلقی کرد. نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در تدوین و اجرای اسناد حقوق بشری، نظیر کنوانسیون‌های مربوط به حقوق کودک و عدالت کیفری، در این زمینه برجسته است. با این حال، برخی چالش‌ها ازجمله نسبیت فرهنگی و مقاومت دولت‌ها در برابر استانداردهای جهان‌شمول، از موانع اساسی تحقق کامل این اهداف محسوب می‌شوند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که جهانی‌شدن حقوق کیفری و حقوق بشر، نه‌تنها به ارتقای نظم و عدالت بین‌المللی کمک کرده، بلکه زمینه‌ساز تقویت همکاری‌های فراملی و کاهش تضادهای میان نظام‌های حقوقی شده است. با این حال، موفقیت در این مسیر مستلزم یافتن تعادلی میان حاکمیت ملی و الزامات جهانی است. احترام به تنوع فرهنگی، بهره‌گیری از دیپلماسی حقوقی، و تقویت نهادهای بین‌المللی در نظارت و اجرا، می‌توانند به تحقق این اهداف کمک کنند. در نهایت، می‌توان گفت جهانی شدن حقوق کیفری و حقوق بشر فرصتی استثنایی برای ایجاد جامعه‌ای امن‌تر، عادلانه‌تر و انسانی‌تر فراهم آورده است. اما این فرصت تنها زمانی به نتیجه خواهد رسید که بازیگران جهانی با درک ضرورت‌ها و واقعیت‌های عصر مدرن، در مسیر ایجاد تعاملی سازنده میان ارزش‌های محلی و اصول جهان‌شمول حرکت کنند. بنابراین، پژوهش حاضر بر اهمیت

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

ایجاد هماهنگی میان این دو سطح تأکید دارد و بر ضرورت بازتعریف مفاهیمی نظیر عدالت، حاکمیت و حقوق بشر در جهان معاصر صحه می‌گذارد.

منابع

- احتشامی، هادی. (۱۳۹۸). بررسی جهانی شدن دموکراسی، فصلنامهٔ سیاست، مجلهٔ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱.
- ادگار، اندرو و سجویک، پیتر. (۱۳۸۷). مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی، ترجمه مهران مهاجر، تهران: نشر آگه.
- پرادل، ژان. (۱۳۸۵). به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۶، شماره ۱۱.
- پروین، خیراله. (۱۳۸۹). تأثیر جهانی شدن و تحولات بین‌المللی بر حاکمیت و استلال دولت‌ها، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۴.
- توحیدی‌فر، احمد. (۱۳۸۰). فرآیندهای جهانی شدن حقوق کیفری، نشریه مدرس علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۴.
- جوانمردی‌صاحب، مرتضی. (۱۳۹۰). جهانی شدن حقوق کیفری، رساله دکتری در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی.
- دیلمی، امین و رفیع، حسین. (۱۳۸۹). روندهای کلان نظام بین‌الملل در آغاز هزاره سوم، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴.
- ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۲). جهانی شدن و جهان‌شمولی حقوق بشر، حقوق بشر و چشم‌اندازها، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی.
- شریفیان، جمشید. (۱۴۰۰). بین‌المللی شدن حقوق بشر، فصلنامهٔ سیاست خارجی، شمارهٔ ۳.
- فروغی‌نیا، حسین. (۱۳۹۱). بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره اول.
- کردعلیوند، روح‌الله. (۱۳۸۷). کل‌های نامتقارن بین‌المللی شدن حقوق کیفری، نشریه حقوق بین‌المللی، شماره ۳۹.
- گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.
- مهرا، نسرین. (۱۳۸۵). عدالت کیفری صغار از منظر حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ویلیامز، مارک. (۱۳۹۹). تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت، ترجمه: اسماعیل مردانی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۵۶.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

References

- Albero,Martin (1999), A perspective on Globalization.
- Berman, Paul Schiff, (2005), From International Law to Law and Globalization, Columbia Journal of Transnational Law.
- Marc, Jean, (2023). The Globalization of Human Right, Unitrd Nations, University Press.
- Mc Grew,Anthony,The Transformation of Democracy,1997.
- Reus- Smit Christian (2021), "Human Rights and the Social Constitution of Sovereignty", Review of International Studies, No. 27.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]